

کنید و انتخابات را بجريان اندازید ميسر ساختن انتخابات اين است که والي وقت هر گاه نظر يه خصوصي نداشته باشد باید تلگراف کنند بوزارت داخله و با آن اداره کمربوط باين کار است که يك چنین تلگرافی از طرف رياست وزراء بنو رسيده تشکيل چيست بنا بر اين تلگراف آن سندي که ايشان بخواهند براي ايشان باشد در ادامه دادن يك انتخابات غلطى که رئيس وزراء و وزير داخله وقت آنرا غلط دانسته و در اثر غلط دانستن آن انتخابات را توقيف کرده است نخواهد بود و باید آنرا سندر فرار بدنه براي آن . گمان ميکنم آقاي مخبرهم خلاصه عرايض بنه را يادداشت فرموده اند حالا وجودانها چطور دفاع نمایند البته خودشان فکر کرده اند .

خلاصه چون امروز مختبرها ميجواه هر عرض کنم هميتقدیر عرض ميکنم خلاف قانونهایي که شده يكی انجمن اول به است که چه آقای مخبر دفاع بفرمايند وجه آقای سردار معظم يا آقای ديوانيکي باید يكماشه از قانونها ارائه بدنه که بر طبق آنماشه قانون انجمن را منع کرده باشند يكی هم اعلان سه روزه انجمن سوم است که در صورت مجلس که قبله خوانده شد سه روز مبنويست که اينهم بخلاف صريح قانونست

اگر انجمن سومی عمليات انجمن اول را صحیح دانسته اند پس خوب بود تعرفه هائی هم که انجمن اول به داده است آرائش را بپذيرند زه يكی آنها را لغو کنند و اگر عمليات انجمن اول به را صحیح نميدانسته اند چنانچه لفوهem کرده اند و معلوم ميشود صحیح ندانسته اند بهتر اين بود مطابق قانون انتخابات مدتی که برای اخذ رأي ودادن تعریف معین شده آنرا مراعات ميکرند

مقصود بنه از اين اظهارات استهضار خاطر نمایند کان معترم و قضاوتحکم آنها بود ولی متناسبانه بازهم متناسبانه يك چيزهای را که واقع شده و يك انتخاباتي که شده و در اين مجلس ازعمال آن انتخابات شکایت ميشود خود آنها در مجلس حاضرند و دفاع ميکنند و در هرچه مملکت وهیچ کجا کمان نمیکنم اينطور باشد که يك کسي که در يك موضوعي ازاو شکایت ميکنند خود او مدافع باشد و رأي هم بدهد برای صحت عمل خود

در حقیقت اينهم يك قضاوتوظیهوري است ولی چه میتوان کرد قانون انتخابات ما اينطور است

در دوره چهارم که قانون انجمن بلدیه نوشته ميشد يك چنین ماده رسيدم که هر گاه کسي از جريان انتخابات بلدی با انجمن نظار شکایت داشته باشد پس از تشکيل انجمن در ظرف يکهفته شکایت خودش را با انجمن بلدیه اقامه کند و بنه چون هضو ڪمپسون داخله بودم اظهارات

را ندانسته از اين جهت تشکيل انجمن سوم و جريان انتخابات را غلط و بخلاف قانون دانسته و آن جريان غلطرا توقيف نمودند

برای اينکه کسي نتواند بگويد توقيف انتخابات خلاف قانون است و انتخابات توقيف شدن نبست خير انتخابات را توقيف نکردن يك جريان غلطرا توقيف کردن و ايشان رياست وزرائي و وزارت داخله را عهده دار بودند يعني خودشان را بر ياست وزراء معرفی کرده بودند و وزير داخله هم بودند و اينکه امر بتوقيف چهارم جون امر انتخابات مريوط و منوط بوزارت داخله است و آن تلگرافی که در جلسه گذشته عرض کردم آقای سردار معظم اظهار داشتند از طرف رياست وزراء در باب رفع توقيف انتخابات مخابره شده خودشان يك نسخه گرفته بنه هم سواد آنرا گرفته ام اين است که ميخوانم :

كرمان- ايالت جليله از قرار اطلاعات واصله انتخابات به را توقيف کرده ايد بطوری که آگاه هستيد انتخابات قانوناً تعطيل پذير نیست بنابراین لازم است جريان انتخابات آنجارا ميسراخته معطل نگذاري يد اين جا جائی است که گمان می کنم آقای سردار معظم نخواسته اند عبارت فارسي را توجه بفرمايند بهجهه اينکه در كاينه حاضره اين

این تلگراف شده است و چون سوابق اين امر حضور آقای رئيس وزراء عرض نشده بوده است و فقط يك تلگراف کرده بودند که انتخابات بهم بر خلاف قانون توقيف شده است البته وقتی که يك همچو تلگرافی بشود که علت توقيف انتخابات بهم چيست لازمه اش يك همچو تلگرافی است اين تلگراف چه می گويد؟ ميگويد انتخابات

به را چرا توقيف کرده ايد ايشان وظيفه شان اين بوده است وقتی اين تلگراف باين ميکنم وابته آنچه را که ميپايشتي خاطر شريف آقایان مستحضر شود از جريان انتخابات هم مستحضر شده است و خواندن يك قسمت دوسيه مكررات خواهد

بخوانم بنابراین بنده هم بطور اختصار اين بوده است وقتي اين تلگراف رياست وزراء وقت و با مر وزارت داخله توقيف شده ايشان باید اين دفاع را از خودشان بگذراند که همین مسئله را مفتتم شمرده و همان آرائي که شرح را عرض کرده ام شروع بخواندن نمایند و بالاخره چون دولت فعلی کاملاً از جريان انتخابات مطلع نبوده اند از اين جهت امر صريح برفع توقيف نمی کنند همین قدر تلگراف مي کنند که لازماست جريان غلطرا توقيف کردن برای اينکه مفترش بفرستند و تحقيق گشته زيرا برای دولت معلوم نشده که انجمن اول به بطری همچو قانوني بوده و مجوز قانوني و ماده قانوني که با آن استدلال می شود که بموجب آن ماده انجمن اوایه منع شده است اين

قرأت نفوذند

رئيس- آقای شيخ العراقي زاده .
(اجازه)

شيخ العراقي زاده - بنده را جزء غائبين بي اجازه نوشته اند در صورتی که قبل اجازه خواسته ام .

رئيس- تحقیق ميشود اگر اشتباهی شده باشد رفع ميشود .
آقای امير حشمت .
(اجازه)

امير حشمت - بنده را جزء دير آمد گان بي اجازه نوشته اند در صورتی که هنوز مجلس دائم شده بود بنده آمده بودم .

رئيس - فرق نمیکند اگر از ساعت چهارقبل از ظهر دير تشریف پاوريده جزء دير آمد گان هستيد صورت مجلس دیگر مخالفی ندارد ؟
(اظهاری نشد)

رئيس اعتبارنامه آقای امير احتمام مطرح است . آقای آقا ميرزا شهاب -
الدين .
(اجازه)

آقا ميرزا شهاب - از بيانات اين دو روزه بنده خواندن دوسيه آقایان را متذکر نميميزم که بيروز که كميسيون در جلسه اخراجش بود کار لاپجه نفط را با موافقت دولت كاملاً تمام کرد و علت تأخير تقديم خبر بمقام رياست اين بوده است قبل از اينکه اين خبر مطابق اصلاحاتي که در كميسيون شده نوشته و امضاء شود لازم بود که از طرف وزراء صورت فرانسه مصدق و مضαι آن بمخير كميسيون داده شود که احتياطاً اشتباهی نشد و بمخير كميسيون که ممضى اين راپرت است از مسئوليت بري باشد اين تقاضا را در كميسيون ازو زير خارجه و وزير ماليه بنده نمودم ديشب در كميسيون خارجه آقای وزير امور خارجه صورت امتياز را بفرانسه باستثنای سه ماده اخیر كه هنوز حاضر نشده بود در ظرف امروز يا فردا از ظرف وزير امور خارجه پنهان خواهد رسيد و پس از آن راپرت تقديم مقام رياست خواهد شد .

بغ محمد على تهراني
(اجازه)

آقاشيخ محمد على - بنده هم چنین يان آقای آقا سيد يعقوب را ميخواستم عرض کنم که فرمودند

وئيس - آقای مشار اعظم
(اجازه)

مشار اعظم عرضي ندارم
رئيس آقای تدين

تدین عرضي ندارم
رئيس آقای رهنما

رهنما عرضي ندارم
رئيس آقای دست غيب

دست غيب عرضي ندارم
رئيس آقای ضياع الملک

ضياع الملک عرضي ندارم
رئيس آقای اخگر

اخگر عرضي ندارم
رئيس آقای نصرة الدوله

(اجازه)

نصرة الدوله - چون تقاضا راپرت كميسيون نقطه برای دستور جلسه آtie شد لازم است خاطر آقایان را متذکر نميميزم که بيروز

بود کار لاپجه نفط را با موافقت دولت كاملاً تمام کرد و علت تأخير تقديم خبر بمقام رياست اين بوده است قبل از اينکه اين خبر مطابق اصلاحاتي که در كميسيون شده نوشته و امضاء شود لازم بود که از طرف وزراء صورت فرانسه مصدق و مضαι آن بمخير كميسيون داده شود که احتياطاً

اشتباهی نشد و بمخير كميسيون که ممضى اين راپرت است از مسئوليت بري باشد اين تقاضا را در كميسيون ازو زير خارجه و وزير ماليه بنده نمودم ديشب در كميسيون خارجه آقای وزير امور خارجه صورت امتياز را بفرانسه باستثنای سه ماده اخیر كه هنوز حاضر نشده بود در ظرف امروز يا فردا از ظرف وزير امور خارجه پنهان خواهد رسيد و پس از آن راپرت تقديم مقام رياست خواهد شد .

رئيس دیگر فرمایشی نیست .
(کفتند خیر)
(مجلس نیمساعت بعداز ظهر ختم شد)

رئيس مجلس شورای ملي مومن الملک م-شهاب - منشی معظم السلطان جلسه ۳۶

صورت مشروح مجلس يوم يك شنبه سوم ذي الحجه ۱۴۴۲ مطابق پانزدهم برج سرطان ۱۳۰۳ (مجلس سه ساعت و نیم قبل از ظهر بر ياست آقای مومن الملک تشکيل گردید)
بر ياست آقای مومن الملک تشکيل چه قانوني بوده و مجوز قانوني و ماده قانوني که با آن استدلال می شود که بموجب آن ماده انجمن اوایه منع شده است اين

حتماً باید آفای رفعی انتخاب شوند خوب آنوقت تکلیف بنده که مسؤول نظارت و انتخابات بودم چه بود؟ بعضی از آفایان متسلسل بهاده چهل و چهار د فانون می‌شوند و میگویند شکایات مانع از جریان انتخابات نیست راست است بنده هم تصدیق می‌کشم ولی قانون انتخابات ما ناقص است و این ماده^۴ هم مربوط به بشکایاتی است که از خارج باجنون نظارت می‌رسد آفای در موافقی که مردم از خود انجمن نظارت شکایت دارند در قانون انتخابات هیچ چیز پیش یین نشده و انسان مجبور است در عمل بسوابقی که شده‌اند مجبور نظر باینکه در ادوار مختلفه انتخاب عضویت مجلس شورای ملی را دارا بود وقتی که این شکایات رسید درنظر داشتم که در دوره چهارم قطع نظر از سوابق دیگر در انتخابات مشهد از منتخبین مشهد افکار نگرانی شد و انجمن نظارت را اوالی وقت تغییر داد و مایندگان و منتخبین دوره چهارم هم بدون هیچ نوع مخالفتی در مجلس قبول شدند و یک همچو سابقه را بنده داشتم و آفایانی که آنوقت در خراسان تشریف داشتند اطلاع دارند و اسناد موجوده در وزارت داخله کاملاً عرايچ بنده را اثبات و تأیید می‌کنند در نقاط دیگر هم که این سوابق بود حالاً بنده در نظر ندارم و نقاط دیگری را هم پیدا خواهم کرد که همین عمل بوده چرا؟ برای اینکه قانون انتخابات ناقص است و اگر بنا باشد هردم از خود انجمن نظارت شکایت بکنند و اگر ابراز نگرانی نسبت بخود انجمن بکنند تکلیف چیست؟ در این حیص و بیص که شکایات می‌رسید بر حسب امری که از طرف رئیس دولت رسید کلیه انتخابات کرمان توقف شد بنده هم تلگراف کردم^۵ به که آفایان انتخابات توفیق است غلاظجه نکنید متفرق شوید از تلگراف خانه برآورد بیرون تا رسیدگی بشود آفایان هم متفرق شدند و وقتی بیرون مجدداً از طرف دولت امر شد که انتخابات را جریان بدھید بنده هم جریان دادم دوباره تجدید شکایت شد لبته شکایتی که اهالی هم می‌کردند از عدم اعتماد انجمن نظارت و عدم اعتمادیه مقتشین می‌شد و بوزارت داخله و رئیس وزراء وقت تلگراف می‌کردند و از طرف مقامات عالیه و مقامات رئیسه هم بین امروز احقاق حق می‌کردند که صید کی کنید احقاق حق کشید و سبله احقاق حق در انتخابات جیست خودم می‌شنبند و می‌دید که دولت‌های زمان راهی که برای رفع شکایت در انتخابات معین کرده اند اهزم مقتض است در هر موقع که شکایتی از انتخابات یک محلی می‌رسد یک نفر را می‌فرستند که برو تفییش کن و رسیدگی کن بین این شکایت وارد است یا خیر و راه دیگری هم ندارد زیرا اچطوفم تو اند حکم کنند و تشخیص بدهند که این شکایت که رسیده است بود آفای آقا شیخ فرج‌اله هم ایشان را می‌شناسند علی ایصال بنده آفای دیوان بیکی را بواسطه امری که از مرکز رسیده بود احضار کردم در یک قسمت آفای آقا شیخ فرج‌الله که اینجا هستند می‌توانند شهادت بدھند عده از رفقای کرمانی آفای آقا میرزا شهاب آمدند از بنده تقاضا کردند درخواست نمودند که من سردار مجللرا حاکم بم بکنم (خطاب باقای آقا شیخ فرج‌الله) اینطور نیست خود آفای هم از اشخاصی بودند که در این موضوع اظهار عقیده می‌فرمودند و بنده اکراه داشتم که سردار مجلل را به حکومت بم پرسنم ولی برای اینکه مساعدتی باقایان کرده باشم حاضر شدم که سردار مجلل را به حکومت بم تعین کنم علی‌الخصوص که چاره هم نداشتم زیرا حکم^۶ کرمان از دولت حقوق ندارند. بخلافه درین دارالحکومه هم ندارد چنانچه دیوان بیکی را که بنده فرستاده بودم بر حسب امر دولت راجع بتخیله خانه مجبور شد استعفا کند بهر حال بنده سردار مجلل را^۷ بر حسب تقاضای دمکرات های کرمان به حکومت بم منصوب کردم و رفعت‌السلطنه و شوکت نظام و سایرین که آفای آقا میرزا شهاب اینجا اسم برداشت آنها از طرف من تعین شدند پس از دیوان بیکی حاکم بم سردار مجلل بود و در آن موقع علت باطنی این بود که برای انتخابات بم آفای آقامهدی رئیس بلد کاندید شده برو آفایان دمکرات های کرمان سعی داشتند که ایشان را انتخاب کنند و برای اینکار یک نفر مأمور فرستادند بهم که اسم او رفعی بود و این آفای رفعی بجای اینکه برای آفای مهدی رئیس بلد اقدام کند یک دفعه خبر به آفایان دمکرات‌ها رسید که برای خودش دارد کاره می‌کنند و اصلاح‌اجمن نظارت طوری ترتیب شده که نتیجه رأی آن قطعاً انتخاب رفعی است و بخلافه سه نفر معلمی که برای نزماشی و تهروه و مرغک و غیره معین شده بودند دونفر آنها برادرزنهای رفعی بودند این خبر که باقایان رسید شروع کردن بشکایت کردن آفای شیخ عبدالله و سایرین دیگر داشتند که ما تأمین نداریم امنیت نداریم این معلمین بدرد ما نمی‌خورند حتی پسر آفای ناظم التجار که در دو جلسه قبل آفای آقا میرزا شهاب می‌فرمودند تلگرافات شکایتی کرد که ما تأمین آراء نداریم واگر صناديق آراء دست‌این معلمین و این انجمن باشد حق‌مقاصد دیق عوض خواهد شد و حتی یکی دو فقره هم تلگراف توسط آفای شیخ فرج‌الله نماینده محترم که اینجا حاضر هستند بنده رسید که مردم ریخته‌اند در تلگرافانه و متخصص شده اند و داد و فریاد می‌کنند که اصلاً این انجمن نظارت طوری ساخته شده که نتیجه اش این است ایشان جواب دادند من جاندارم من حاکم محل هستم نمی‌توانم بر روم در کوچه منزل بکنم بنده دیدم حرف صحیح است به مسئولیت خودم گفتم تا موقعی که در بم هستند در باغ سردار مجلل منزل کنید زیرا من حفظ حیثیت یک مأمور دولت را ترجیح میدهم برایشکه تعدی بیک فردی شده باشد تا اینکه از طرف رئیس‌الوزرای وقت و رئیس‌الوزرای حالیه امر صریح بم رسید که منزل را باید تخلیه کنند من هم بمامور خودم حکم صریح دادم که تخلیه کنند مأمور من هم گفت امن دیگر اینجا نمی‌توانم بمانم و خودش استفاده داد و اینکه آفای قا میرزا شهاب فرمودند که دیوان آفای را پس از شکایات اهالی بم منفصل شدند و بچیز وجه مقرر و بصحت نیست آقامیرزا شهات - اسناد در رویه موجود است سردار معظم - ایرا پس از احضار دیوان بیکی بترتیبی که عرض کردم عده کثیری از اهالی بتگراف خانه ریخته و تقاضای ایقای دیوان بیکی را کردن تلگرافاتش هم اینجا موجود است اکر مجلس بخواهد ممکن است بنده بخوانم می‌خواهید بخوانم یا نه؟ (جمعی از نمایندگان خیر لازم نیست) ملک‌الشعراء - خوبست پسکی را بخوانید سردار معظم بسیار خوب می‌خوانم مقام منیع ایالت جلیله^۸ فلاں و فلاں^۹ بالآخره توجه مستعیات مظلومانه ما ملت به از حضور مبارک این شد که امر و ز آفای دیوان بیکی حسب‌الامر می‌خواستند غفلت‌آخ رکت کنند اکر چه ایشان را تا تعیین تلگراف قطعی خودمان مانع از حرکت شدیم اینکه باز برای آخین دفعه استدعای عاجزانه داریم که نا تعیین حکومت غیر اهل ملک امر باقای ایشان و حکم باحال این هیئت نظار حالیه فرمائید و الا اکر برای دفاع از حقوق حقه خودمان بمقامات طالیه تظلم نمائیم البته مسؤول حضرت اشرف نخواهیم بود اینکه کنیل حکومتی اظهار داشتند که ماده بماده شکایات خودمان را به مقام منیع ایالت توضیح دهیم هر رض مینهایم هیئت کسبه و اصناف و فقیر قوه دادن قیمت مخابره بیش از این ندادن فقط اردوت نیج خودمان بتوانیم امر معاش خود را بگذرانیم مستعدی است تلگراف قطعی معین ملتی رادعاً گو فرمائید بعد کتبیاً بعرض می‌رسانیم (از طرف متحصنهای تلگراف خانه) آفای میرزا شهاب خوبست چند تا امضاهارا بخوانید سردار معظم بفرمائید خودتان به خوانید (تسليم آفای میرزا شهاب تمودند) شیخ عبدالله یکی از آن اشخاصی است که در اس شکایت کننده گان واقع شده

ماهم خوب نمیتوانند بخواهند.
فرض این است اگر این مسئله بگذرد آنوقت هیچکاری از مجلس نخواهد گذشت زیرا همه حرف خوانندز و دریک موضوع ملاحظه خواهید فرمود که چهل یونجه نفر اجازه میخواهند تمام وقت مطعن حرف زدن خواهندش: برای اینکه میخواهیم نطق های مشخص و برجسته مادر روزنامه نوشتند شود و کمتر وقتی است که رأی بکفایت مذاکرات داده شود زیرا همه مایلند حرف بزند از اینجهت و هم از نقطه نظر بودجه بنده مخالفم.

رئيس آقای اخگر (اجازه)

اخگر- بنده معتقدم که باید صورت مشروح مجلس و عین مذاکرات آقایان در روزنامه نوشته شود زیرا برخلاف نظر به آقای آقا میرزا شهاب که فرمودند، وقتی بنایش صورت مشروح مجلس در روزنامه نوشتند مذاکرات مفصل و نوشتند شود مذاکرات مفصل و مبسوط خواهد شد. مقدمه اشگر- بنده معتقدم که باید صورت این حق را دارید که توضیع بدھید و بعد دیگران جواب بدھند و اما بنده این حق را بخواهند نطق مشخص آقایان نمایند کان وسایر آقایان اغلب جاهرا دیده اند بنده از کرمان اطلاع دارم و میدانم صدی دوسواد فارسی ندارند چه رسیدایش که نطق مشخص آقایان را خوانند و از آنها استفاده کنند.

با اینکه جلسه ختم شود و چون خود بنده
بیکنی از افراد اکثریت اصول امowaاف نیست
که این اظهارات بشود و عرض میگنم که
ایشان بیان و مطالب خودشان را اظهار
کنند و هر حرفی دارند بزنند و مجلس
رأی میدهد.

رئيس - عدد کافی نیست. جلسه را
ختم میکنیم جلسه آتبه روز سه شنبه چهار
ساعت قبل از ظهر دستورهم دستور امروز
(مجلس پنج ساعت وربع بعد از ظهر
ختم شد)

رئيس مجلس شورای اسلامی - مؤتمرون العمالک
منشی م. شهاب - معظم السلطان

جلسه ۳۵

صورت مشروح مجلس
یوهم سه شنبه هفدهم
سرطان ۱۳۰۳ برابر پنجم
ذیحجه ۱۳۴۳

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر
بر باست آقای مؤتمن الملک
تشکیل گردید)

(صورت مجلس یسوم بکشنبه یازدهم
سرطان را آقا میرزا شهاب الدین
فرانث نمودند)

رئيس - نسبت بآرائی که درباره
وکالت آقای امیر احتمام گرفته شده، نوشته
شده است عدد حضار صد و هفت نفر بوده.
اشتباه شده عدد حضار صد و هشت نفر بوده
است. آقای حاج میرزا عبدالوهاب
[اجازه]

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده در صورت
مجلس عرضی ندارم

رئيس - آقای قائم مقام

(اجازه)

قائم مقام - بنده در دستور عرض
دارم .

رئيس - آقای آفاس بدیع غوب

(اجازه)

آقا سید یحیی و بنه هم در دستور
عرضی دارم

رئيس - از بنده خواسته
حاج میرزا عبدالوهاب - برای اینکه
مقام ریاست هستید .